



آینده تاریخ نمی آید بلکه آن را باید احضار کرد/ فلسفه تاریخ شیعه

علی فلاح رفیعی، عضو هیئت علمی گروه فلسفه و حکمت دانشگاه تهران در نشست «فلسفه تاریخ در مکتب تشیع» گفت: آینده تاریخ نمی آید بلکه آن را باید احضار کرد.

علی فلاح رفیعی، عضو هیئت علمی گروه فلسفه و حکمت دانشگاه تهران در نشست «فلسفه تاریخ در مکتب تشیع» گفت: آینده تاریخ نمی آید بلکه آن را باید احضار کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، عصر دیروز یکشنبه ۱۶ اسفندماه نشست تحت عنوان «فلسفه تاریخ در مکتب تشیع» در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، با سخنرانی دکتر علی فلاح رفیعی، عضو هیئت علمی گروه فلسفه و حکمت دانشگاه تهران برگزار شد.

فلاح رفیعی در ابتدای سخنرانی خود گفت: فلسفه تاریخ مربوط به جوامع انسانی می شود و همه مکان ها و زمان ها را شامل می شود. فلسفه تاریخ چیزی نیست که ادیان و مذاهب به ویژه آن دسته ای که مدعی جهان شمولی آن هستند نسبت به آن بی تفاوت باشند و یا نسبت به آن اظهار نظر نکرده باشند. موضوع بحث ما فلسفه تاریخ در مکتب شیعه است. هر فردی باید با مکتب خودش آشنایی داشته باشد. برای درک نظرات مرتبط با فلسفه تاریخ در هر دین و هر مکتب فلسفی ابتدا می بایست به مبانی هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی آن رجوع شود. هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی به مبانی ای اشاره می کنند که تاریخ سازند و باور ما را به فلسفه تاریخ شکل می دهند.

وی افزود: شیعه چیست؟ اساساً شیعه اسلام واقعی است. به نظر ما و با دلایلی که ما داریم پیامبر شیعه را ادامه دهنده راه خود می داند. شیعه یعنی اسلام، شیعه همان مکتب واقعی است که پیامبر فرمودند. علی رغم شکافی که در اسلام بین مذاهب وجود دارد، بین شیعه و سنی با اینکه اختلافاتی وجود دارد، ولی اختلافات عمیق نیست. شیعه و سنی می توانند در ادامه تاریخ به راه خود ادامه دهند. ما در عین اینکه تاکید بر مکتب شیعه می کنیم، اما باعث اختلافات در بین آئین ها نمی شویم.

فلاح رفیعی درباره مبانی فلسفه تاریخ در شیعه از بعد هستی شناختی گفت: چیزهایی در خلقت داریم که اگر آنها را مبنا قرار دهیم، درک و فهم نظریه شیعه راحت خواهد بود. با نگاهی به روایات و قرآن برخی از مبانی و اصول در ارتباط با هستی پدیدار می شود که باورهای فلسفی در تاریخ را نشان می دهند. از آن جمله می توان به یک مظلومیت در هستی، دو مربوبیت در هستی، هوشیاری و هوشمندی در هستی، هدمندی در هستی، عدالت محوری در هستی، سحریت در هستی، برجام گرایی و نهایت داری هستی اشاره کرد. درباره مبانی انسان شناسی در قرآن و روایت می توان به نمایندگی از طرف خداوند، هستی بودن انسان، عبودیت در انسان، مختار بودن در انسان، نمایندگی و هدایت و راهنمایی در انسان، برخورداری از هدایت درونی و بیرونی، کرامت ذاتی، سیر بی نهایت و لقاء الهی، حجت مندی و ولایت گری و جامعه پذیری انسان نام برد. از نظر معرفت شناختی نیز در قرآن و روایات ده مورد را می توان ذکر کرد که عبارتند از عقل محوری معتدلانه در شناخت، نیازمندی به ولی، حلم مداری معتدلانه، واقع بینی و پرهیز از تخیل گرایی، مقدم بودن علم بر عقل، سنت محوری (عزت)، سهم اندک آدمی از علم، دانایی معیار رفعت و برتری، پرهیز از ادعا در علم، معرفت شهودی.

وی درباره پاره ای از سنت های الهی که در تاریخ وجود داشته است، به ده مورد دیگر اشاره کرد. ۱ - سنت ارسال رسول و انزال کتب، ۲ - سنت برقراری و استمرار جهت در همه مکان ها و زمان ها، ۳ - سنت نصر مومنین، ۴ - سنت اطلاع و آزمایش، ۵ - تغییر سرنوشت به دست مردم، ۶ - ظهور دین الهی، ۷ - حاکمیت صالحان در زمین، ۸ - عاقبت از آن متقین، ۹ - سنت استدراج، ۱۰ - انزال برکات الهی.

عضو هیئت علمی گروه فلسفه و حکمت دانشگاه تهران در ادامه صحبت های خود گفت: پس از تامل بر این باورهای مبانی و سنت های مبتنی بر آنها می توان به نتایجی در ارتباط با فلسفه تاریخ دست یافت که پاره ای از آنها عبارتند از: فرجام تاریخ جهان از آن صالحان خواهد بود، ۲ - به طور قطع و یقین برای این فرجام و دولت کریمه نمی توان تاریخی را معین کرد، ۳ - ابتدا و انتهای تاریخ جهانی در نزد خداوند و صاحبان علم الهی و گروهی از عارفان یک چشم زدن بیش نیست و بلکه کمتر ۴ - این فرجام نیک بدون تلاش و سعی جهاد و سخت و اجتهاد پیگیر پیروان جبهه حق میسر نیست. ۵ - این فرجام مراحل و گردنه های متعدد و گوناگون دارد ۶ - عبور از گردنه های سخت و جانکاه برای مردمان آماده از نظر فکری و علمی نه تنها سخت نیست بلکه بسیار راحت و شیرین و لذت بخش است. ۷ - رجعت صالحان و پیروان امید بسته به یک عاقبت خوش و تلاش کننده آنان حتی در صورت مرگ زنده خواهند شد و در مسیر این حاکمیت سهمی خواهند داشت. ۸ - امروز و هر عصری جزء

فلسفه تاریخ است. تاریخ از نگاه فلسفی تنها شامل صحنه فرادهای مورد سرنوشت و آینده جهان نمی شود بلکه امروز نیز همان صحنه مقابل و مبارزه همچنان جاری و ساری است، ۹ - آینده تاریخ نمی آید بلکه آن را باید احضار کرد. مسیر تحقق فلسفه تاریخ از نگاه شیعه یک جریان مستمر است و نه نقطه ای خاص، ۱۰ - برخلاف ظاهر متفاوت و گوناگون حوادث و جریان های تاریخی محتوا و حقیقت حوادث تاریخی همانندی بسیاری به یکدیگر دارند.

رفیعی، رسالت فردی و اجتماعی مسلمانان در نقطه تاریخی را مورد بررسی قرار داد و بیان کرد: اگر تاریخ هست به طور حتم از نقاطی شکل گرفته است. هر فرد مسلمان به ویژه شیعه با قرار گرفتن در این نقطه ها به نوبه خود شکل دهنده به یک خط مستمری است که شامل این موارد هستند. ۱ - امیدواری به آینده روشن ۲ - آرزو و خواست ۳ - انتظار تحقق و پیروزی حق ۴ - سعی و تلاش برای شناخت حق و معرفت به آن ۵ - ایمان مستقر و خلل ناپذیر به حق ۶ - جهاد و اجتهاد در جهت یاری و کمک به حق ۷ - فراهم سازی شرایط حق و آمادگی در لحظه ۸ - وظیفه محوری و تکلیف مداری: شیعه در صحنه میزان حق و باطل صرفاً به دنبال پیروزی در مقاطع و گذرگاه های تاریخی نیست بلکه در پی انجام رساندن رسالت خود است. ۹ - دعا و نیایش برای ولی حق ۱۰ - رجوع به ولی زمانی جامع الشرایط.

فلاح رفیعی در پایان برای فلسفه تاریخ نزد شیعه، ویژگی های زیر را نام برد: ۱ - طرح واضح و روشن ۲ - طرح و نقشه پیشین ۳ - بیان واضح و روشن ۴ - ایثاری است و نه جبری: فلسفه تاریخ شیعه در عین حال که نقشه ای از پیش تعیین شده است، اما جبری گرایانه و دترمنیستی نیست. بلکه کاملاً آزادانه و بر اساس اختیار است. ۵ - تعیین رهبر و قاعده ای شناخته شده: فلسفه تاریخ شیعه با رهبری مشخص و معین ترسیم می شود. رهبری که اوصافی کاملاً شناخته شده دارد. ۶ - عدم تعیین مکان حضوری، فیزیکی و زمان. ۷ - تقدس آمیزی: مبارزه در صحنه ها و برهه های گوناگون آن همواره مقدس است. فرد معتقد در عین اینکه در صحنه وارد می شود، نگاهی تقدس آمیز به آن دارد و عمل او نیز مقدس و ستودنی است. ۸ - فرجام پیروزمندانه از نظر شیعه فرجام و پایان تاریخ به پیروزی جبهه حق منتهی خواهد شد. ۹ - جبهه های متحد و ابعاد گوناگون مبارزه: از نظر شیعه اگرچه تاریخ صحنه مبارزه و تضاد همیشگی است ولی فرجام تاریخ با پیروزی حق خواهد بود.